

فراخوان تولید و نشر محتوا با موضوع انتخابات منتشر شد

مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فراخوان تقدیر از برترین تولیدات و انتشار محتوا در فضای مجازی با موضوع مشارکت افزایی عموم مردم در انتخابات پیش روز امن‌تر شود. به گزارش ایکنا، مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از برترین تولیدات و انتشار



پریچهر هیچ شباهتی به من ندارد

A color photograph of a man in a military uniform, wearing a helmet and goggles, smiling and holding a rifle. He is standing in a field of dry, yellowish-brown grass under a clear sky.

پریچهر قصه زیرخاک را یادتان هست؟ همان نقشی که ژاله
صامتی از آن شخصیتی دوست داشتنی و جالب توجه ساخته و از
شخصیت‌های اصلی قصه است. حالا در این سری هم قرار است اورا
با همان ویژگی‌ها و عشقی که به فیبریز دارد، بینیم. یک زن خانه‌دار
که البته زیرک ویژه‌ای دارد ولی با همه اینها خواسته و ناخواسته با
همسرش، فیبریز را قداماتی که او می‌خواهد انجام دهد، همراه
می‌شود. به گفته صامتی این تسویری است که خیل ها در مواجهه
با او از آشنایان بودند و نزدیکی اش به اقوام و آشنازیانی که امروز هم سن
و سال پریچهر هستند گفته‌اند، اتفاقی که گویا در کل زیرخاکی از
ابتداء ادامه آن وجود داشته و برایش تلاش شده، یعنی انعکاس
بخش‌هایی از زندگی و داستان‌هایی که در طول آن اتفاق می‌افتد.
صامتی که تا الان نقش‌های زیادی از او دیده‌ایم، می‌گوید هیچ‌کدام
از آنها به خود واقعیت نزدیک نبوده و این یکی یعنی
پریچهر به هیچ‌وجه شباهتی با اوندارد بلکه در این
موردن و بقیه شخصیت‌ها او فقط با آنها زندگی
می‌کند تا بواند آن طور که باید اینفای شان
کند. دشواری‌های دنیای کمدی، آن‌هم از
نوع موقعیت‌ش هم موضوع دیگری
بود که در این گپ و گفت‌از او
پرسیدیدم. همچنین
شروع این سری و
فضای اتفاقاتی



اشرف خانم، خیاط محله است



مریم سرمدی که این شب‌ها سریال «احصار» را هم روی آتشن داشته است، در سری دوم زیرخاکی به این گروه اضافه شده است تا برای دو مینی بار و بعد از «امغان تاییکی» با جلیل سامان همکاری کند. این که سرمدی اینجا چه نقشی دارد، اولین سوالی بود که سراغش رفتیم و او با تشریح جزئیات این ماجرا بیان کرد: «ما جزو همسایه‌های خانم صامتی یعنی پریچهر هستیم و در محله‌ای با حضور همسایه‌های دیگر تعاملات مختلفی داریم که بخشی از قصه را شکل می‌دهند. من هم اسمم اشرف است و خیاط آن

در این سری و سری قبل یکدستی‌ای که باید احساس می‌شود یعنی کاملاً بهمان فضای کار ادامه پیدا کرده است. شخصیت‌های مانیز از همین قانون تعیین می‌کنند و بینندۀ موقعیت‌های طنز‌زنگی ما را می‌بیند. البته همه چیز در این قصه رئال است اما همان طور که می‌داند این سریال طنز موقعیت است و به همین دلیل موقعیت‌های طنزی در طول قصه به وجود می‌آید که کار را پیش می‌برد.»

«ارمغان تاریکی»، «پروانه»، «نفس» و «حالا هم زیرخاکی» که چهارمین سریال جلیل سامان است، به شکلی برای این کارگردان شکستن فضایی محسوب می شود که در این مدت مدام از او دیده بودیم. یک کمدی که اساس آن راهنمای طور که گفتگی موقعیت ها و اتفاقات مختلف که رخ می دهنند، شکل داده است. اما گذر از دوران قصه های عاشقانه در دل تاریخ منافقین و انقلاب و رسیدن به دنیای از خدادادهای پر خنده که بته آن ها از عشق خالی نیست، موضوعی است که باعث شد بعد از مدت ها سکوت خبری با آقای سامان آزان بگوییم و بشنویم. گفتگویی که در ادامه می توانید سری به آن بزنید تا از آنچه که این کارگردان را وارد این تغییرات را کرد و فضایی که قرار است در ادامه این قصه یعنی زیرخاکی^۲ ببینیم، باخبر شوید.

[۲] بازهم دهه ۵۰ اما این بار در قالب کمدی! انگار جلیل سامان به شکلی در کارهای شما به زمان گره خود رده: آیا واقعاً این طور است؟ و اصلاً چرا ما همیشه این زمان را در کارهای شما به اشکال و باستان های گوناگون دیده ایم؟

این مقطع برهه ای از زمان است که حرف زیادی برای گفتن دارد. اتفاقات این دهه تا دهه ۶۰ آنقدر بیشتر سر هم رخ می دهد که در هر بخشی از آن روزگار به شکلی ورق می خورد، آدم ها عوض می شوند، رخدادهای سیاسی، اجتماعی، شخصیت های متعدد و گروه های مختلفی شکل می گیرند که همه اینها جذابیت هایی را در خودشان دارند. همچنین نوستالژیک بودن این موارد هم اتفاق دیگری است که در این دهه ها وجود دارد. در کنار همه اینها مان آن طور که باید به این مقطع پرداختیم و سال ها ممثل خلی از موارد درباره خلی از مسائل این زمان هم سکوت کردیم، به همین دلیل من احساس می کنم که می شود در این باره زیاد نوشت: حرف زد و آن رام رور کرد.

[۳] در کنار این نگاه، به طور کلی شوخی و در واقع ایجاد موقعیت های کمدی در قصه همیشه داستان خودش را در اداما آیا می شود گفت اجرایی این جریان را در قالب زمان گذشته راحت تر و باشد گفت. باید دقت بهترین و جذاب ترین نوع کمدی در تمام دنیا همین کمدی موقعیت است.

[۴] اجرای این موقعیت ها در کمدی برای شما به عنوان یک بازیگر خانم، سخت نبود؟

به هر حال کمدی در بین ما آن طور که باید، جانیفتاده و این فضای خانم ها هم خلی سخت تر است. البته بازهم در باره کمدی موقعیت ماجرا این است که این آدمها فکر نمی کنند خنده دارند و در هر کدام از این موقعیت ها گریه و زندگی می کنند. از همین رو به له، کمدی کار کردن برای خانم ها خیلی سخت است اما اگر از موقعیت درک را داشته باشیم، نشدنی نیست. چون مثلاً ما که کار فانتزی نشدنی نمی کنیم بلکه در قالب رئال شخصیت پردازی کرده ایم.

[۵] و این واقعی بودن باعث شده مادر کل شخصیت های را بینیم که شاید برای خلی ها آشننا باشند و در واقع تیپ نیستند، درست است؟

بله. من هم بازیگری هستم که اصلاح تیپ کار نمی کنم چون کمدی که تیپ است خنده دار می شود، آن هم طور که به هر شکل و شیوه ای تضمیم می کرید آدم ها را بخنداند ولی ما چنین تصمیمی

مریم سرمدی که این شب‌ها سریال «احصار» را هم روی آنتن داشته بود،
گروه اضافه شده است تا برای دومین بار و بعد از «ارمنان تاریکی» با
سرمدی اینجا چه نقشی دارد. اولین سوالی بود که سراغش فریمی و او
کرد: «اما جزو همسایه‌های خانم صامتی یعنی پریچهر هستیم و در مه
تعاملات مختلفی داریم که بخشی از قصه را شکل می‌دهند. من هم
محل هستم.»

در این سری و سری قبل یکدستی‌ای که باید، احساس می‌شود یعنی
کرده است. شخصیت‌های ما نیز از همین قانون تعییت می‌کنند و بـ
رامی بیند. البته همه چیز در این قصه رئال است اما همان طور که
است و به همین دلیل موقعیت‌های طنزی در طول قصه به وجود می‌
نمکاری با جلیل سامان برای بار دوم هم ماجرای دیگری بود که این
و وجود داشت، گفت:

«خیلی‌ها ممکن است از کارکردن با آقای سامان به دلیل حساسیت
شوند اما من با آن که دومین تجربه همکاری من با ایشان است بسیار
حساسیت را خیلی دوست دارم. به همین دلیل این تجربه را هم مثل
خوبی می‌دانم.»

به روز رسیدن فیلم‌نامه هم موضوع دیگری بود که در این گفت و گو
عنوان کرد: «به رحال این اتفاق تجربه جدیدی بود ادامه‌نمی‌توان الزا
تجربه‌های جدید را خیلی دوست دارم و لی راستش را بخواهید او ایل
بود چرا که با زیگرنمی‌فهمد در فضای کلی کار حضورش کجا و به چه
برای آن نقش طراحی کند و این خیلی سخت است ولی در ادامه با اعتماد
سامان هم توضیح داد که قرار است در قالب کلی برای این نقش چه ای
را بهتر کرده و باعث شد راحت تر با شرایط کنار بیایم. البته این طور نباید
نهایاً گاهی برای نقش‌های فرعی تراویں دیالوگ‌ها بدهد.»

او اضافه کرد: «همچنین این تجربه جالی از این نظر بود که با توجه به
دیالوگ‌ها را بیان می‌کردیم، این باعث می‌شد اشکالی که در بعضی از